

بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد صفائی

دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه تهران،

بابک محمودی درویشانی

دانشجوی دکترای مهندسی مالی دانشگاه آزاد واحد قزوین (نویسنده مسئول)
babak.mahmoudii@yahoo.com

ابراهیم عباسی

گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، علی آباد کتول

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۳۱

چکیده

در این مقاله، رابطه بین حاکمیت شرکتی، مدیریت سود و مدیریت مالیات بررسی شده است. بدین منظور برای حاکمیت شرکتی برخی از معیارهای مهم از جمله اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و میزان پاداش اعضای هیئت مدیره مورد توجه قرار گرفته است و همچنین برای مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز و برای مدیریت مالیات از معیارهای نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری استفاده شده است. این موضوع با استفاده از اطلاعات استخراج شده از ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره، به روش حداقل مربعات با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که هیچ یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی (شامل اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره)، تاثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد. از سوی دیگر شاخص اندازه هیئت مدیره از حاکمیت شرکتی، تاثیر معناداری بر شاخص‌های نرخ موثر مالیاتی قطعی و نیز نرخ موثر مالیاتی حسابداری از مدیریت مالیات داشته است. اما هیچ یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر نرخ موثر مالیاتی جاری نداشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت افزایش (کاهش) اندازه هیئت مدیره منجر به کاهش (افزایش) نرخ موثر مالیاتی قطعی و حسابداری و در نهایت مدیریت مالیات می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اندازه هیئت مدیره، حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، مدیریت مالیات، نرخ موثر مالیاتی.

۱- مقدمه

مسئله‌ای که امروزه علیرغم افزایش سطح آگاهی‌ها و دانش عمومی استفاده کنندگان از صورت‌های مالی دیده می‌شود، اتکای شدید بر اعداد گزارشات حسابداری (به ویژه سود حسابداری) به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد جهت تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری می‌باشد. این اتکای غیرمنطقی انگیزه‌های فراوانی برای مدیران ایجاد می‌کند تا این اعداد را به نفع خودشان دستکاری (مدیریت) نمایند. یا به عبارت کاملتر دست به مدیریت سود بزنند.

جونز و شارما (۲۰۰۱) مدیریت سود را نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت به یک سطح مطلوب و مورد نظر می‌باشد. به عقیده جونز و شارما مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان درباره‌ی عملکرد اقتصادی شرکت یا تحت تاثیر قرار دادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می‌کند.

اصولاً مدیریت سود به دلیل اینکه تصویر نادرستی از نتایج عملکرد شرکت ارائه می‌دهد، موجب قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه‌گذاران در خصوص عملکرد واحدهای اقتصادی و مدیران آنها شده و نه تنها منجر به تضییع اصل و سود سرمایه آنها می‌شود، بلکه نوعی بدبینی در میان سهامداران به وجود آورده و رقابت سالم بین واحدهای اقتصادی کشور را از بین می‌برد (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴).

یکی از دلایل اینکه برخی مدیران دست به مدیریت سود می‌زنند، فرار یا بحث اجتناب مالیاتی می‌باشد. مدیران برای اینکه بتوانند سود خود را کمتر از واقع نشان دهند و به تبع آن مالیات کمتری بپردازند، سعی بر مدیریت سود می‌کنند. از طرف دیگر برخی مواقع ممکن است مدیران صرف اینکه اشتباهات مدیریتی خود را جبران و زیان‌های وارده را ببوشانند، دست به مدیریت سود و در واقع بیش از حد نشان دادن سود می‌زنند که این خود باعث افزایش میزان پرداخت مالیات می‌شود. در چنین حالت‌های مشابهی مدیران ممکن است علاوه بر مدیریت سود به دنبال استفاده تکنیک‌های مدیریت مالیات باشند. از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری از این پدیده شوم و همسو کردن منافع طیف‌های ذینفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی ذینفعان، مقوله‌ی حاکمیت شرکتی مطرح شده است.

حاکمیت شرکتی، به چگونگی اداره و کنترل شرکت‌ها به ویژه نقش هیئت مدیره در این رابطه پرداخته و چارچوب یک

نظام پاسخگویی موثر را بیان می‌کند. به طور کلی حاکمیت شرکتی در پی ایجاد چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذینفعان مختلف فراهم می‌آورد. با توجه به تعریفی که بانک جهانی ارائه نموده: «حاکمیت شرکتی به دنبال برقراری تعادل میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و میان اهداف فردی و همگانی است» (رهبری خرازی، ۱۳۸۳). از این رو این تحقیق، به دنبال بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی با مدیریت سود و مدیریت مالیات می‌باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ویژگی جدایی مدیریت از مالکیت به عنوان یکی از ویژگی‌های بارز شرکت سهامی، به سبب قدرت انحصاری بخشیدن به مدیر در تهیه و ارائه گزارشات حسابداری (به عنوان یکی از مهمترین خروجی‌های عملکرد واحد اقتصادی) بحث تضاد منافع بین ذینفعان مختلف واحد تجاری را مطرح نموده و لزوم توجه به نظارت و کنترل مدیران توسط تمامی سهامداران را عمق بخشیده است. طبق همین ویژگی است که مدیران امکان دسترسی بی‌قید و شرط به بخش مهمی از اطلاعات سازمان را بدست می‌آورند. این ویژگی زمانی که در کنار ویژگی حسابداری تعهدی بخاطر وجود معوقات (ماهه التفاوت سود نقدی و سود تعهدی) قرار می‌گیرد و انگیزه‌هایی همچون پاداش، مقررات گریزی، افزایش وز افزون رقابت‌ها و .. پیش می‌آید، محرکی قوی برای مدیران می‌شود تا در جهت منافع خویش و حتی در تضاد با منافع سایر گروه‌ها اطلاعات موجود را دستکاری نمایند یا به عبارت کاملتر دست به مدیریت سود بزنند. بیشتر محققین این حوزه دریافته‌اند که مدیریت سود غالباً با انگیزه گمراه کردن استفاده‌کنندگان از صوت‌های مالی و یا انحراف از نتایج قراردادی که بستگی به سودهای حسابداری دارد، انجام می‌شود. به طوری که مدیر با این عمل قصد دارد فرایند سودآوری شرکت را هموار نشان دهد تا واحد اقتصادی تحت مدیریت او با جذابیتی خاص به عنوان یکی از گزینه‌های اولیه برای سرمایه‌گذاری مطرح باشد. از این رو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری مدیریت سود و همسو کردن منافع طیف‌های مختلف ذینفعان، معقوله حاکمیت شرکتی مطرح شده است که می‌توان آنرا مجموعه قوانین، فرایندها، فرهنگ‌ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران، حسابرسان شرکت باید وجود داشته باشد تا متضمن رعایت همه جانبه حقوق سهامداران جزء، بازدارنده از سو استفاده‌های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخگویی، شفافیت و عدالت و رعایت حقوق ذینفعان گردد.

شاخص‌های نسبت سرمایه گذاران نهادی، استقلال هیئت مدیره، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، وجود حسابرس داخلی استفاده کردند. نتایج حاکی از آن بود که هیچ یک از متغیرهای مرتبط با حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود تاثیرگذار نبوده است.

نیکومرام و محمدزاده سالطه (۱۳۸۹) به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند. نتایج حاصل از آزمون بیانگر این بود است که اولاً، شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی (چه قوی و چه ضعیف) بوده‌اند، اقلام تعهدی اختیاری کمتری داشتند، بدین معنی که در اینگونه شرکت‌ها مدیریت سود کمتر اتفاق می‌افتاد. دوماً، شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً اقلام تعهدی بیشتری ندارند. به طور کلی، نتایج بیانگر آن است که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط معناداری دارد بدین معنی که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین کننده موثر بر مدیریت سود است.

آقایی و چالاکي (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند. حاکمیت شرکتی با استفاده از ویژگی‌های تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره اندازه گیری شد و برای اندازه‌گیری مدیریت سود از اقلام تعهدی غیر عادی استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه معنی‌دار منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود همچنین بین استقلال هیات مدیره و مدیریت سود وجود دارد. علاوه بر این، رابطه معنی داری بین سایر ویژگی‌های حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) و مدیریت سود وجود ندارد.

اصغری (۱۳۹۱) به بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و نرخ موثر مالیات پرداخت. او برای حاکمیت شرکتی از معیارهای اندازه هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیر عامل، درصد سهامداران نهادی، استقلال هیئت استفاده کرد. نتایج حاکی از آن بوده است که بین اندازه هیئت مدیره و درصد سهامداران نهادی با نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد اما بین استقلال هیئت مدیره و دوگانگی نقش هیئت مدیره با نرخ موثر مالیاتی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۰) به بررسی رابطه بین خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها و مدیریت مالیات پرداختند. آنها برای

بعلاوه می‌توان گفت شرکت‌هایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می‌شوند (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴). در دو دهه اخیر، اصول راهبری شرکت‌ها یکی از جنبه‌های اساسی تجارت شده و توجه به آن روز به روز در حال افزایش است. بر اساس یافته‌های محققانی همچون بلک (۲۰۰۱)، کلاپر و لاو (۲۰۰۳)، گامپرس و همکاران (۲۰۰۳). اصول راهبری شرکت‌ها نقش مهمی را در بهبود عملکرد شرکت ایفا می‌کند و ارتباط مستقیمی بین اصول راهبری شرکت‌ها و عملکرد شرکت در بازارهای مالی توسعه یافته و در حال توسعه وجود دارد. یکی از عناصری که مرتبط با عملکرد شرکت‌ها می‌باشد مبحث مدیریت مالیات است. چنانچه مدیریت بتواند نرخ موثر مالیات را در بلند مدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت، زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد (پورحیدری و برهانی نژاد، ۱۳۹۰).

یکی از پیامدهای گسترش بازار سرمایه تفکیک مالکان از مدیران شرکت‌ها می‌باشد. با جدایی مالکیت از مدیریت مشکل نمایندگی بوجود می‌آید. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران و سایر ذینفعان (از جمله دولت) ایجاد می‌گردد و به طور بالقوه این امکان به وجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خودشان بوده و ضرورتاً در جهت منافع سهامداران و سایر ذینفعان از جمله دولت نباشد. این امر موجب می‌شود که سود حسابداری گزارش شده در صورت سود و زیان شرکت‌ها با سود مشمول مالیات مطابق قوانین مالیاتی تفاوت داشته باشد. این تفاوت دلایل مختلفی دارد. با توجه به اختلاف مزبور، مبلغ مالیات قابل پرداخت نیز طبق گزارشگری مالی شرکت متفاوت از محاسبات مربوط طبق قوانین مالیاتی خواهد شد. در نتیجه نرخ قانونی مالیات با نرخ موثر مالیاتی متفاوت خواهد شد (اصغری، ۱۳۹۱). با توجه مطالب ذکر شده این سوال مطرح می‌شود که اولاً میزان تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود چگونه است و چه مقدار می‌تواند در کاهش مدیریت سود موثر باشد؟ و دوماً میزان تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت مالیات چگونه است و چه مقدار می‌تواند از مدیریت مالیات با جهت‌گیری منفی بکاهد؟

قدرتی و فیضی (۱۳۹۴) به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود پرداختند. آنها برای حاکمیت شرکتی از

در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ‌های مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها می‌شود و برعکس نرخ‌های پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت.

در این تحقیق با بررسی جامعتری نسبت به تحقیقات قبل به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات پرداخته شده است. در این تحقیق در حاکمیت شرکتی از معیارهای اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره و برای مدیریت سود از اقلام تعهدی اختیاری و برای مدیریت مالیات از سه نرخ مالیات موثر به ترتیب نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری استفاده شده است که رویکرد جامعی را به این موضوع ارائه داده است و در تحقیقی نیز تاکنون بررسی نشده است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به هدف اصلی تحقیق که بررسی رابطه بین مازاد جریان نقدی آزاد، حاکمیت شرکتی و اندازه شرکت با قابلیت پیش بینی سود می‌باشد، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر مطرح شده‌اند:

برای بررسی هدف اول یعنی تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

فرضیه اول: اندازه هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیرگذار است

فرضیه دوم: استقلال هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیرگذار است

فرضیه سوم: پاداش هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیرگذار است

برای بررسی هدف دوم یعنی تاثیرگذاری حاکمیت شرکتی بر مدیریت مالیات و در نظر گرفتن این نکته که برای حاکمیت شرکتی سه شاخص اندازه هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره و نیز سه شاخص برای مدیریت مالیات که به ترتیب نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری می‌باشند، فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

فرضیه چهارم: اندازه هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی قطعی تاثیرگذار است

فرضیه پنجم: استقلال هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی قطعی تاثیرگذار است

فرضیه ششم: پاداش هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی قطعی تاثیرگذار است

خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها از متغیرهای اندازه هیئت مدیره، ترکیب هیئت مدیره، دوگانگی مدیرعامل و اندازه حسابرس و همچنین برای سنجش مدیریت مالیات نیز از میانگین ۵ ساله نرخ موثر مالیاتی استفاده کردند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق بیانگر آن بوده است که بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت مالیات ارتباط معنادار وجود ندارد. به بیان دیگر، در ایران اندازه هیئت مدیره تاثیر بر مدیریت مالیات ندارد. همچنین، نتایج نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین ترکیب هیئت مدیره و نرخ موثر مالیاتی وجود دارد. همچنین، بین اندازه موسسه حسابرسی و مدیریت مالیات نیز ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات را ارزیابی کردند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل (دوگانگی وظایف مدیرعامل) و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج تحقیق، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است.

مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های اصول راهبری شرکت‌ها را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آنها نشان دادند که طرح‌های پاداش به عنوان محرکی برای مدیران جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات گاه عمل می‌کند. همچنین یافته‌ها نشان داد که مدیریت مالیات سهامداران را منتفع می‌سازد و مدیریت مالیات به طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است.

لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره رابطه‌ای منفی و معنادار با رویه مالیاتی متهورانه دارد. به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

سارتوری (۲۰۰۸)، نشان داد که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تاثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تاثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. دسایی و همکاران (۲۰۰۶)

و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. تحقیقات همبستگی به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در آنها رابطه بین متغیرها بر اساس هدف تحقیق تحلیل می‌گردد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶:۹۰). به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره با داده‌های ترکیبی و به روش حداقل مربعات استفاده خواهد شد. برای این کار از نرم‌افزار صفحه گسترده Excel برای پردازش اولیه اطلاعات به منظور ورود به نرم افزار اقتصادسنجی Eviews جهت انجام آزمون و تحلیل‌های آماری استفاده خواهد شد.

در این تحقیق جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که شرایط زیر را احراز نمایند.

شرکت‌های مورد مطالعه (۱۱۰ شرکت) به صورت تصادفی بدون جایگزین از بین ۱۵۳ شرکت، استخراج شده و مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه هفتم: اندازه هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی حسابداری تاثیرگذار است

فرضیه هشتم: استقلال هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی حسابداری تاثیرگذار است

فرضیه نهم: پاداش هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی حسابداری تاثیرگذار است

فرضیه دهم: اندازه هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی جاری تاثیرگذار است

فرضیه یازدهم: استقلال هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی جاری تاثیرگذار است

فرضیه دوازدهم: پاداش هیئت مدیره بر نرخ موثر مالیاتی جاری تاثیرگذار است.

۴- روش شناسی پژوهش

هدف از تحقیق حاضر بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است بنابر این از نظر هدف، کاربردی

جدول (۱) - جامعه و استخراج نمونه تحقیق

ردیف	شرایط	حذفی	باقیمانده
۱	تعداد شرکت‌های که تا سال ۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شدند	۴۷۴	۴۷۴
۲	تعداد شرکت‌های که قبل سال ۸۷ از بورس حذف شدند یا وارد فرابورس شدند	(۲۶)	
۳	تعداد شرکت‌هایی که بعد سال ۸۷ وارد بورس شدند	(۱۷)	
۴	تعداد شرکت‌هایی که بین سال‌های ۸۷-۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده‌اند		۴۳۱
۵	تعداد شرکت‌هایی که عضو بخش مالی، بانک و بیمه و سرمایه گذاری و سایر واسطه‌گری‌ها و هلدینگ‌ها بوده‌اند	(۶۶)	۳۶۵
۶	تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها ۱۲/۲۹ نبوده است	(۶۷)	۲۹۸
۷	تعداد شرکت‌های غیرمالی که در بازه ۸۷-۹۱ از لیست شرکت‌هایی پذیرفته شده در بورس حذف شده‌اند	(۱۰۲)	۱۹۶
۸	تعداد شرکت‌هایی که طی بازه ۸۷-۹۱، تغییر سال مالی داده‌اند	(۱۰)	۱۸۶
۹	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات مالی مورد نیاز تحقیق (از جمله مالیات تشخیصی و قطعی) آنها در دسترس نبوده و یا ناقص بوده است	(۳۳)	۱۵۳
	تعداد نمونه با قرار گرفتن شرکت‌های فوق در رابطه نمونه‌گیری کوکران	۱۰۹/۶۲	۱۱۰

۵- متغیرها و مدل‌های پژوهش

• متغیر وابسته

متغیر وابسته، متغیری است که تغییرات آن تحت تاثیر متغیر مستقل قرار می‌گیرد. انتخاب یک متغیر وابسته به هدف تحقیق بستگی دارد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶:۴۴). در این تحقیق، متغیرهای مدیریت سود و مدیریت مالیات به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

الف) مدیریت سود (DA)

برای اندازه‌گیری و کمی کردن مدیریت سود، از میزان اقلام تعهدی اختیاری به کمک مدل رگرسیون تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است. مدل جونز تعدیل شده بیانگر آن است که هر شرکت نمونه ابتدا با تمام شرکت‌های همان صنعت مطابقت داده می‌شوند. جمع اقلام تعهدی روی مبلغ ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات و تغییرات تعدیل شده درآمد

تقسیم شده است و نحوه محاسبه هر یک از آنها به صورت زیر می‌باشد:

(۱) نرخ موثر مالیاتی قطعی (ETR): حاصل تقسیم مالیات قطعی شده بر سود قبل از مالیات می‌باشد.

(۲) نرخ موثر مالیاتی حسابداری ($GAAP ETR$): حاصل تقسیم هزینه مالیات تشخیصی دوره بر سود قبل از مالیات دوره می‌باشد.

(۳) نرخ موثر مالیاتی جاری ($Current ETR$): حاصل تقسیم هزینه مالیات ابرازی دوره بر سود قبل از مالیات دوره می‌باشد.

• متغیر مستقل

متغیر مستقل، یک ویژگی از محیط فیزیکی یا اجتماعی است که بعد از انتخاب یا دستکاری شدن توسط محقق، مقادیری را می‌پذیرد تا تأثیرش بر روی متغیر وابسته مشاهده شود (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۳). متغیرهای مستقل تحقیق، حاکمیت شرکتی است که خود به سه جز تقسیم می‌شود:

(۱) اندازه هیئت مدیره (BR): تعداد اعضای هیئت مدیره در شرکت می‌باشد.

(۲) استقلال هیئت مدیره (IN): تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره می‌باشد.

(۳) پاداش هیئت مدیره (CM): حاصل لگاریتم میزان پاداش شرکت می‌باشد.

• متغیر کنترل

در این تحقیق متغیر کنترل، به ترتیب عبارتند از:

(۱) اندازه شرکت (SZ): به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

(۲) بازده دارایی‌ها (RA): به صورت تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها می‌باشد.

(۳) اهرم مالی (LV): به صورت تقسیم کل بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام می‌باشد.

(۴) ارزش شرکت (EV): به صورت لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت می‌باشد.

• مدل پژوهش

مدل اصلی برای آزمون فرضیه‌های اول تا سوم، مدل ۱، برای آزمون فرضیه چهارم تا ششم، مدل ۲ و برای آزمون فرضیه هفتم تا نهم، مدل ۳ و برای آزمون فرضیه دهم تا دوازدهم، مدل ۴ به شرح زیر می‌باشند:

هر یک از شرکت‌های نمونه مورد نظر رگرسیون می‌شود (بولو و حسینی، ۱۳۸۶). در مدل تعدیل شده جونز، فرض بر این است که میزان ارقام تعهدی غیراختیاری در شرکت به سه متغیر ۱- اموال، ماشین آلات و تجهیزات، ۲- تغییرات درآمد و ۳- تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی وابسته است. لذا، ابتدا مدل زیر تخمین زده می‌شود:

$$\frac{TACC_{it}}{Asset_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Asset_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Asset_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{Asset_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

که در آن،

$TACC_{it}$: نشانگر جمع کل ارقام تعهدی بوده و از طریق تفاوت بین سود خالص و جریان نقد عملیاتی محاسبه می‌شود.

$Asset_{it-1}$: نشانگر جمع دارایی‌های شرکت در دوره قبل،

ΔREV_{it} : نشانگر تغییرات درآمدهای سال جاری و سال قبل،

ΔREC_{it} : نشانگر تغییرات حساب‌های دریافتی سال جاری و سال قبل و

PPE_{it} : نیز نشانگر جمع ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات و در نهایت β_0 ، عرض از مبدا و ε_{it} میزان خطای مدل را نشان می‌دهد.

در این مدل برای استاندارد شدن متغیرها و تعدیل ناهمسانی واریانس در پسماندها، همه متغیرهای مدل مزبور بر جمع کل دارایی‌های سال قبل ($Asset_{it-1}$) تقسیم شده‌اند. پس از تخمین مدل طی دوره‌ی زمانی تحقیق، باقیمانده مدل برابر ارقام تعهدی اختیاری می‌باشد که از طریق کسر نمودن ارقام تعهدی غیر اختیاری ($NDACC_{it}$) از جمع ارقام تعهدی ($TACC_{it}$) به شرح مدل زیر به دست می‌آید:

$$DACC_{it} = \frac{TACC_{it}}{Asset_{it-1}} - [\beta_0 + \beta_1 \frac{1}{Asset_{it-1}} + \beta_2 \frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{Asset_{it-1}} + \beta_3 \frac{PPE_{it}}{Asset_{it-1}}]$$

متغیر $DACC_{it}$ ، بیانگر ارقام تعهدی اختیاری است که در این تحقیق به عنوان شاخصی برای مدیریت سود در نظر گرفته شده است.

(ب) مدیریت مالیات (TM)

نرخ موثر مالیاتی در این تحقیق به عنوان نماینده‌ای برای مدیریت مالیات در نظر گرفته شده است که خود به چند طبقه

مدل (۱)

$$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 DA_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۳)

$$GAAP ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 GAAP ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۴)

$$Current ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Current ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در هر یک از مدل‌ها:

ETR_{it} : نرخ موثر مالیاتی قطعی برای شرکت i در سال t می‌باشد.

$GAAP ETR_{it}$: نرخ موثر مالیاتی حسابداری برای شرکت i در سال t می‌باشد.

$Current ETR_{it}$: نرخ موثر مالیاتی جاری برای شرکت i در سال t می‌باشد.

DA_{it} : مدیریت سود برای شرکت i در سال t می‌باشد.

BR_{it} : اندازه هیئت مدیره برای شرکت i در سال t می‌باشد.

IN_{it} : استقلال هیئت مدیره برای شرکت i در سال t می‌باشد.

CM_{it} : پاداش هیئت مدیره برای شرکت i در سال t می‌باشد.

SZ_{it} : اندازه شرکت برای شرکت i در سال t می‌باشد.

RA_{it} : بازده دارایی‌ها برای شرکت i در سال t می‌باشد.

LV_{it} : اهرم مالی برای شرکت i در سال t می‌باشد.

EV_{it} : ارزش شرکت برای شرکت i در سال t می‌باشد.

β_0 : مقدار ثابت یا همان عرض از مبدا و $\varepsilon_{i,t}$: ضریب خطای مدل می‌باشد.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

کمیت‌هایی آمار توصیفی ارائه شده، شامل میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار می‌باشد که در جدول (۲) ارائه شده است. شرکت‌های مورد مطالعه، ۱۱۰ شرکت بوده است که بر اساس شرکت - سال (۸۷-۹۱) برابر ۵۵۰ مشاهده شده است.

همانطور که در جدول دو مشاهده می‌شود، مقدار میانگین مدیریت سود برابر ۰/۰۰۰۶۳۶ بیانگر این است که میزان مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی اندک است و تعداد کمی از شرکت‌ها اقدام به مدیریت سود می‌کنند. مقدار میانگین نرخ موثر مالیاتی قطعی ۰/۲۱۲۸۶۳ بیانگر این است

که به طور متوسط شرکت‌های مورد بررسی با نرخ بیش از ۲۱ درصد، مالیات قطعی خود را می‌پردازند. البته در این بین شرکت‌هایی وجود دارند که با تخلف و مدیریت سود و به تبع آن کشف آنها از سوی اداره مالیاتی، مجبور می‌شوند بسیار بیشتر از نرخ مذکور مالیات و جریمه بپردازند. مقدار میانگین نرخ موثر مالیاتی حسابداری برابر ۰/۲۳۵۷۰۲ است و نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی به طور متوسط با نرخ تشخیصی که از سوی امور مالیاتی مشخص می‌شود، باید حدود ۲۳ درصد مالیات خود را بپردازند. مقدار میانگین نرخ موثر مالیاتی جاری برابر ۰/۱۲۸۶۱۳ است که نشان‌دهنده این است که اکثر شرکت‌ها سعی بر آن دارند تا میزان مالیات خود را کمتر از واقع نشان دهند. در واقع به دنبال این هستند تا با بالا بردن هزینه‌های خود، مقدار سود را کمتر از واقع نشان داده و نتیجه مالیات کمتری بپردازند. در نتیجه با توجه به اولویت قانون بر قوانین حسابداری، اداره مالیاتی برخی از هزینه‌های آنها را مود پذیرش قرار نداده و با تشخیص خود بر اساس قوانین مالیاتی، باعث افزایش میزان پرداختی آنها می‌شود. میانگین اندازه هیئت مدیره برابر ۵/۰۴ و میانه آن برابر ۵ است و بدین معنا می‌باشد که اکثر شرکت‌های مورد مطالعه دارای ۵ عضو در هیئت مدیره خود می‌باشند. از طرفی با توجه به مقدار حداکثر و حداقل آن می‌توان دریافت که در این بین شرکت‌های هستند که ۷ و نیز ۳ نفر هیئت مدیره داشته‌اند. میزان استقلال هیئت مدیره با توجه مقدار میانگین آن (۳/۶۶) و نیز مقدار میانگین اندازه هیئت مدیره (که ۵ نفر بودند) می‌توان گفت میزان استقلال مطلوب شرکت‌های مورد بررسی را نشان می‌دهد. مقدار میانگین پاداش هیئت مدیره برابر ۰/۷۴۴۱۵۵ و مقدار میانه آن نیز برابر ۰/۰۰ است و این خود بیانگر این است که میزان پاداش مدیریت در اکثر شرکت‌ها یا مقدار قابل توجهی نیست و یا اندک است که اکثر شرکت‌ها از

شرکت بر اساس قیمت بازاری آن با ارزش شرکت بر اساس مبالغ دفتری آن زیاد نیست و می‌توان گفت بازار بورس تهران بازار فعال و قوی نیست.

۶-۲- انتخاب بهترین مدل برآورد

برای انتخاب بهترین مدل برآورد از آزمون چاو (لیمیر) و نیز آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است. برای انتخاب بهترین مدل برآورد از آزمون چاو (F لیمیر) و نیز آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است. نتایج حاکی از آن است که برای مدل اول، مدل تجمیعی و برای مدل دوم و سوم، مدل اثرات تصادفی و برای مدل چهارم مدل اثرات ثابت بهترین مدل برآورد می‌باشد.

افشای آن خودداری کرده‌اند. مقدار میانگین اندازه هیئت مدیره برابر ۱۳/۷۲ و مقدار حداکثر و حداقل آن به ترتیب برابر ۱۸/۵۴ و ۱۰/۰۶ هستند و این مقادیر بیانگر این است که شرکت‌های مورد بررسی در طیف مناسبی قرار دارند و می‌توانی گفت از لحاظ اندازه همگنی مناسبی دارند. مقدار میانگین بازدهی شرکت‌ها برابر ۰/۱۲۵ بیانگر این است که به طور متوسط شرکت‌های مورد بررسی بازده بالایی نسبت به دارایی‌های که در اختیار دارند، نداشته و سودآوری آنها نیز پایین است. مقدار میانگین اهرم مالی برابر ۲/۲۵ بیانگر این است که ساختار سرمایه اکثر شرکت‌ها، از میزان بدهی بیشتری تشکیل شده است و عمده آنها برای تامین مالی از وام‌های بانکی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر با مشاهده مقدار میانگین ارزش شرکت ۱۳/۱۱ و مقایسه آن با میانگی اندازه شرکت (۱۳/۷۲) می‌توان به این نتیجه دست یافت که اختلاف ارزش

جدول (۲) - آمار توصیفی داده‌ها

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری)	DA	۰/۰۰۰۶۳۶	-۰/۰۰۲۸۶۷	۰/۳۶۵۲۱۴	-۰/۲۹۸۹۹۸	۰/۱۰۴۵۵۱
نرخ موثر مالیاتی قطعی	ETR	۰/۲۱۲۸۶۳	۰/۱۹۶۶۴۰	۱/۱۶۸۸۴۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۳۵۸۶۰
نرخ موثر مالیاتی حسابداری	GAAP_ETR	۰/۲۳۵۷۰۲	۰/۲۱۵۹۸۵	۱/۴۰۶۳۲۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۹۸۵۶۰
نرخ موثر مالیاتی جاری	CURRENT_ETR	۰/۱۲۸۶۱۳	۰/۱۴۵۵۰۳	۰/۲۸۳۶۲۳	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۸۳۸۰۳
مدیریت سود دوره قبل	DA_1	-۰/۰۰۱۶۵۹	۰/۰۰۰۳۰۷	۰/۳۵۶۳۵۵	-۰/۳۴۸۶۶۲	۰/۰۹۹۹۷۲
نرخ موثر مالیاتی قطعی دوره قبل	ETR_1	۰/۲۷۲۹۸۶	۰/۱۹۵۳۸۴	۱۵/۷۸۴۷۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۸۴۳۴۲۴
نرخ موثر مالیاتی حسابداری دوره قبل	GAAP_ETR_1	۰/۳۰۸۶۸۲	۰/۲۱۴۵۸۱	۱۱/۹۱۶۶۷	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۷۵۵۹۵۰
نرخ موثر مالیاتی جاری دوره قبل	CURRENT_ETR_1	۰/۱۳۷۸۳۶	۰/۱۴۳۹۵۱	۰/۰۰۸۹۶۱	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۱۲۳۸۷۲
اندازه هیئت مدیره	BR	۵/۰۴۱۸۱۸	۵/۰۰	۷/۰۰	۳/۰۰	۰/۳۳۶۱۵۸
استقلال هیئت مدیره	IN	۳/۶۶۱۸۱۸	۴/۰۰	۶/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۱۳۲۵۳
پاداش هیئت مدیره	CM	۰/۷۴۴۱۵۵	۰/۰۰۰	۳/۵۶۳۶۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۱۲۹۳۱۴
اندازه شرکت	SZ	۱۳/۷۲۹۰۹	۱۳/۴۰۷۶۷	۱۸/۵۴۹۶۷	۱۰/۰۶۹۴۳	۱/۵۴۰۰۸۲
بازده دارایی‌ها	RA	۰/۱۲۵۹۴۸	۰/۱۱۰۰۰۷	۰/۴۴۰۱۹۰	-۰/۱۲۳۴۴۸	۰/۱۱۱۴۳۰
اهرم مالی	LV	۲/۲۵۷۷۸۸	۱/۵۶۱۷۱۳	۱۲/۰۸۷۰۳	۰/۱۱۵۷۲۸	۲/۳۱۶۹۹۱
ارزش شرکت	EV	۱۳/۱۱۲۵۱	۱۲/۹۴۹۵۹	۱۸/۵۲۴۲۷	۹/۲۵۴۳۵۷	۱/۷۵۰۵۷۶

جدول (۳) - نتایج آزمون چاو (لیمیر) و هاسمن

مدل های تحقیق	آزمون ها	آماره آزمون	سطح معنی‌دار	نتیجه آزمون
مدل (۱)	آزمون چاو (F لیمیر)	۰/۸۷۸۷۶۲	۰/۷۹۱۲	مدل تجمیعی
	آزمون هاسمن	لزومی نمی‌یابد		مدل تجمیعی
مدل (۲)	آزمون چاو (F لیمیر)	۲/۲۰۰۹۱۳	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت
	آزمون هاسمن	۱۲/۸۶۲۳۵۸	۰/۱۱۶۷	مدل اثرات تصادفی
مدل (۳)	آزمون چاو (F لیمیر)	۱/۵۳۳۱۳۰	۰/۰۰۱۵	مدل اثرات ثابت
	آزمون هاسمن	۶/۹۴۲۰۷۰	۰/۵۴۲۹	مدل اثرات تصادفی
مدل (۴)	آزمون چاو (F لیمیر)	۴/۲۰۶۷۴۱	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت
	آزمون هاسمن	۸۸/۰۵۵۶۶۶	۰/۰۰۰۰	مدل اثرات ثابت

۷- نتایج آزمون فرضیه‌ها

۷-۱- نتیجه آزمون مدل رگرسیونی اول - فرضیه ۱-۳

نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا سوم در جدول ۴ ارائه شده است. برای بررسی خوبی مدل، معمولاً از معیارهای ضریب تعیین (R^2)، ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj. R^2$) و دوربین - واتسون (D-W) و برای بررسی معنی‌داری مدل نیز از آماره F استفاده می‌شود. همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر 0.308017 و ضریب تعیین تعدیل شده برابر 0.264827 می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهنده‌گی و برازش مدل در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون برابر با 1.971412 می‌باشد، و از آنجایی که بازه $1/5$ تا $2/5$ نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی از مرتبه اول می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد.

آماره عامل تورم واریانس (VIF) میزان همخطی بین متغیرهای مستقل تحقیق را نشان می‌دهد و مقدار مجاز VIF کمتر از 10 می‌باشد و از آنجایی که مقادیر جدول (۴)، کمتر از 10 می‌باشد، در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر 8.189225 و مقدار احتمال آن نیز برابر 0.0000 می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از 0.05 است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای هر سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر 0.4964 و 0.1675 و 0.4455 هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار، بیشتر از 0.05 می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای سه فرضیه اول مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی (اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره) و مدیریت سود پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه اول تا سوم رد می‌شود.

جدول (۴) - نتایج آزمون مدل رگرسیونی اول تحقیق

$DA_{it} = \beta_0 + \beta_1 DA_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: مدیریت سود (DA)						
نتیجه	VIF	سطح معنی‌دار	آماره تی استیودنت (t)	ضریب	نماد	متغیر مستقل
-	-	0.2057	-1.266890	-0.077399	β_0	عرض از مبدا
رد	$1/00$	0.4964	-0.680583	-0.025704	DA_{it-1}	مدیریت سود دوره قبل
رد	$1/16$	0.1675	1.382155	0.014012	BR	اندازه هیئت مدیره
رد	$1/18$	0.4455	-0.763556	-0.005381	IN	استقلال هیئت مدیره
رد	$1/06$	0.9725	-0.034506	-0.000118	CM	پاداش هیئت مدیره
تایید	$3/03$	0.0000	4.136522	0.027898	SZ	اندازه شرکت
تایید	$2/35$	0.0000	6.814089	0.434648	RA	بازده دارایی‌ها
رد	$1/52$	0.3635	0.909575	0.001375	LV	اهرم مالی
تایید	$3/25$	0.0000	-4.566778	-0.031551	EV	ارزش شرکت
1.971412		دوربین - واتسون (D-W)		0.308017	ضریب تعیین (R^2)	
8.189225 (0.000000)		آماره F (سطح معنی‌دار)		0.264827	ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)	

۷-۲- نتیجه آزمون مدل رگرسیونی دوم - فرضیه ۲-۴

نتایج آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم در جدول ۵ ارائه شده است. همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر 0.457973 و ضریب تعیین تعدیل شده برابر 0.444043 می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهنده‌گی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون برابر با 1.798258 می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد.

آماره عامل تورم واریانس (VIF) برای هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از 10 می‌باشد در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر 4.161673 و مقدار احتمال آن نیز برابر 0.0000 می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از 0.05 است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر

مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو شاخص دیگر حاکمیت شرکتی (استقلال و پاداش هیئت مدیره) و نرخ موثر مالیاتی قطعی پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه چهارم تایید و فرضیه‌های پنجم و ششم رد می‌شود.

۰/۰۱۲۲ و ۰/۲۶۶۰ و ۰/۵۶۳۸ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه چهارم، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای فرضیه چهارم رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. از طرفی از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه پنجم و ششم بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر

جدول (۵) - نتایج آزمون مدل رگرسیونی دوم تحقیق

$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: نرخ موثر مالیاتی قطعی (ETR)						
نتیجه	VIF	سطح معنی‌دار	آماره تی استیوننت (t)	ضریب	نماد	متغیر مستقل
-	-	۰/۰۰۰۰	۴/۴۶۴۱۱۳	۰/۸۲۹۳۶۵	β_0	عرض از مبدا
تایید	۱/۱۳	۰/۰۰۰۱	۳/۹۱۵۴۷۸	۰/۰۴۶۶۱۵	ETR_{it-1}	نرخ موثر مالیاتی قطعی دوره قبل
تایید	۱/۱۷	۰/۰۱۲۲	-۲/۵۱۵۷۹۶	-۰/۰۸۱۴۱۷	BR	اندازه هیئت مدیره
رد	۱/۱۸	۰/۲۶۶۰	-۱/۱۱۳۵۰۸	-۰/۰۱۵۹۱۷	IN	استقلال هیئت مدیره
رد	۱/۰۷	۰/۵۶۳۸	-۰/۵۷۷۵۷۳	-۰/۰۰۵۸۹۰	CM	پاداش هیئت مدیره
تایید	۳/۰۲	۰/۰۰۰۶	۳/۵۳۴۲۴۲	۰/۰۷۲۳۰۰	SZ	اندازه شرکت
رد	۲/۳۵	۰/۳۰۰۲	-۱/۰۳۷۰۷۶	-۰/۱۴۲۳۴۲	RA	بازده دارایی‌ها
رد	۱/۶۵	۰/۵۸۴۵	-۰/۵۴۷۱۵۸	-۰/۰۰۳۲۷۱	LV	اهرم مالی
تایید	۳/۱۰	۰/۰۳۴۵	۲/۲۲۷۰۷۴	۰/۰۴۲۳۷۹	EV	ارزش شرکت
۱/۷۹۸۲۵۸		دوربین - واتسون (D-W)		۰/۴۵۷۹۷۳	ضریب تعیین (R^2)	
۴/۱۶۱۶۷۳ (۰/۰۰۰۰۰۰)		آماره F (سطح معنی‌دار)		۰/۴۴۴۰۴۳	ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)	

۰/۰۱۲۲ و ۰/۲۰۳۴ و ۰/۹۸۵۸ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه هفتم، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای فرضیه هفتم رد و فرض مقابل پذیرفته می‌شود. از طرفی از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار برای فرضیه هشتم و نهم بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین دو شاخص دیگر حاکمیت شرکتی (استقلال و پاداش هیئت مدیره) و نرخ موثر مالیاتی حسابداری پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه هفتم تایید و فرضیه‌های هشتم و نهم رد می‌شود.

۳-۷- نتیجه آزمون مدل رگرسیونی سوم - فرضیه ۷-۹
نتایج آزمون فرضیه‌های هفتم تا نهم در جدول ۴ ارائه شده است. همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۴۶۷۸۱۸ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۴۵۳۸۸۵ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهنده‌گی و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون برابر با ۱/۸۴۵۹۵۶ می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس (VIF) برای هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر ۴/۱۴۹۸۶۶ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر

جدول (۶) - نتایج آزمون مدل رگرسیونی سوم تحقیق

$GAAP ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 GAAP ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: نرخ موثر مالیاتی حسابداری (GAAP ETR)						
نتیجه	VIF	سطح معنی‌دار	آماره تی‌استیودنت (t)	ضریب	نماد	متغیر مستقل
-	-	۰/۰۰۰۲	۳/۸۱۶۷۵۰	۰/۸۸۳۸۶۴	β_0	عرض از مبدا
تایید	۱/۱۴	۰/۰۰۰۰	۴/۲۷۰۴۵۳	۰/۰۷۴۸۲۴	$GAAP ETR_{it-1}$	نرخ موثر مالیاتی حسابداری دوره قبل
تایید	۱/۱۷	۰/۰۱۲۲	-۲/۵۱۴۸۶۸	-۰/۱۰۴۴۴۳	BR	اندازه هیئت مدیره
رد	۱/۱۸	۰/۲۰۳۴	-۱/۲۷۳۴۶۹	-۰/۰۲۲۸۰۱	IN	استقلال هیئت مدیره
رد	۱/۰۷	۰/۹۸۵۸	-۰/۰۱۷۷۹۹	-۰/۰۰۰۲۲۳	CM	پاداش هیئت مدیره
تایید	۳/۰۳	۰/۰۰۲۵	۲/۹۹۷۰۴۳	۰/۰۷۷۰۳۳	SZ	اندازه شرکت
رد	۲/۳۴	۰/۴۰۰۵	-۰/۸۴۱۴۷۳	-۰/۱۴۸۴۰۸	RA	بازده دارایی‌ها
رد	۱/۶۶	۰/۱۲۰۶	-۱/۵۵۴۸۳۹	-۰/۰۱۱۶۱۱	LV	اهرم مالی
تایید	۲/۹۱	۰/۰۰۰۴	۳/۶۵۶۲۶۶	۰/۰۸۹۰۶۳	EV	ارزش شرکت
۱/۸۴۵۹۵۶		دوربین - واتسون (D-W)		۰/۴۶۷۸۱۸	ضریب تعیین (R^2)	
۴/۱۴۹۸۶۶ (۰/۰۰۰۰۰۰)		آماره F (سطح معنی‌دار)		۰/۴۵۳۸۸۵	ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)	

۷/۰۵۵۱۱۰ و مقدار احتمال آن نیز برابر ۰/۰۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که مقدار احتمال آن کمتر از ۰/۰۵ است، لذا معنی‌داری مدل تایید می‌شود.

همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار سطح معنی‌دار برای هر سه شاخص حاکمیت شرکتی، به ترتیب برابر ۰/۱۵۹۳ و ۰/۴۱۷۰ و ۰/۵۴۶۶ هستند. از آنجایی که مقدار سطح معنی‌دار، بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر برای هر سه فرضیه دهم تا دوازدهم مبنی بر عدم وجود رابطه معنادار بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی (اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره) و نرخ موثر مالیاتی جاری پذیرفته می‌شود. در نتیجه به طور کلی فرضیه دهم تا دوازدهم رد می‌شود.

نتیجه آزمون مدل رگرسیونی چهارم - فرضیه ۱۰-۱۲ نتایج آزمون فرضیه‌های دهم تا دوازدهم در جدول ۷ ارائه شده است.

همانطور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۳۸۶۴۴۷ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۳۶۳۴۰۱ می‌باشد و بدین معنی می‌باشد که قدرت توضیح دهنده و برازش مدل در سطح خوبی قرار دارد. آماره دوربین - واتسون برابر با ۲/۰۷۷۷۶۸ می‌باشد، در نتیجه خودهمبستگی از مرتبه اول در جزء خطای مدل وجود ندارد. آماره عامل تورم واریانس (VIF) برای هر یک از متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ می‌باشد در نتیجه بین متغیرهای مستقل تحقیق، همخطی وجود ندارد. در نهایت مقدار آماره F برابر

جدول (۷) - نتایج آزمون مدل رگرسیونی چهارم تحقیق

$Current ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Current ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: نرخ موثر مالیاتی جاری (Current ETR)						
نتیجه	VIF	سطح معنی‌دار	آماره تی‌استیودنت (t)	ضریب	نماد	متغیر مستقل
-	-	۰/۰۰۰۰	۸/۰۸۱۶۹۱	۰/۳۸۸۸۸۰	β_0	عرض از مبدا
رد	۱/۰۶	۰/۹۴۸۶	-۰/۰۶۴۴۸۱	-۰/۰۰۳۶۶۰	$Current ETR_{it-1}$	نرخ موثر مالیاتی جاری دوره قبل
رد	۱/۱۶	۰/۱۵۹۳	-۱/۴۱۰۰۰۰	-۰/۰۱۱۹۵۹	BR	اندازه هیئت مدیره
رد	۱/۱۹	۰/۴۱۷۰	۰/۸۱۲۳۶۴	۰/۰۰۶۶۴۴	IN	استقلال هیئت مدیره
رد	۱/۰۷	۰/۵۴۶۶	-۰/۶۰۳۳۷۰	-۰/۰۰۱۳۶۶	CM	پاداش هیئت مدیره

$Current ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Current ETR_{it-1} + \beta_2 BR_{it} + \beta_3 IN_{it} + \beta_4 CM_{it} + \beta_5 SZ_{it} + \beta_6 RA_{it} + \beta_7 LV_{it} + \beta_8 EV_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیر وابسته: نرخ موثر مالیاتی جاری (Current ETR)						
نتیجه	VIF	سطح معنی دار	آماره تی استیودنت (t)	ضریب	نماد	متغیر مستقل
تایید	۳/۲۱	۰/۰۰۰۳	-۳/۶۷۴۱۸۰	-۰/۰۲۷۶۰۳	SZ	اندازه شرکت
رد	۲/۳۵	۰/۲۷۱۲	۱/۱۰۱۶۶۴	۰/۰۶۹۹۳۷	RA	بازده دارایی‌ها
تایید	۱/۵۳	۰/۰۰۰۱	-۳/۹۸۳۳۳۹	-۰/۰۰۶۲۴۸	LV	اهرم مالی
تایید	۳/۱۰	۰/۰۲۵۱	۲/۶۰۰۳۹۰	۰/۰۱۷۳۱۶	EV	ارزش شرکت
۲/۰۷۷۷۶۸		دوربین - واتسون (D-W)		۰/۳۸۶۴۴۷		ضریب تعیین (R^2)
۷/۰۵۵۱۱۰ (۰/۰۰۰۰۰۰)		آماره F (سطح معنی دار)		۰/۳۶۳۴۰۱		ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj.R^2$)

۸- نتیجه‌گیری و بحث

هدف اصلی این تحقیق، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات است. برای رسیدن به این هدف، تعداد ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفتند. برای سنجش حاکمیت شرکتی از معیارهای اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره و از معیارهای نرخ موثر مالیاتی قطعی، حسابداری و جاری برای مدیریت مالیات و در نهایت برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل جونز تعدیل شده استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره، به روش حداقل مربعات با داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که هیچ یک از شاخص‌های مورد بررسی در حاکمیت شرکتی (شامل اندازه، استقلال و پاداش هیئت مدیره)، تاثیر معناداری بر مدیریت سود ندارد. از سوی دیگر شاخص اندازه هیئت مدیره از حاکمیت شرکتی، تاثیر معناداری بر شاخص‌های نرخ موثر مالیاتی قطعی و نیز نرخ موثر مالیاتی حسابداری از مدیریت مالیات داشته است. اما هیچ یک از شاخص‌های حاکمیت شرکتی تاثیر معناداری بر نرخ موثر مالیاتی جاری نداشته‌اند. به طور کلی می‌توان گفت افزایش (کاهش) اندازه هیئت مدیره منجر به کاهش (افزایش) نرخ موثر مالیاتی قطعی و حسابداری و در نهایت مدیریت مالیات می‌شود.

تحلیل محقق از عدم تاثیرگذاری متغیرهای حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره و پاداش هیئت مدیره) بر مدیریت سود می‌تواند ناشی از این باشد که میزان مدیریت سود در شرکت‌های مورد بررسی بسیار اندک می‌باشد. در نتیجه زمانی که مدیریت سود بسیار کم باشد، لزومی بر اعمال حاکمیت شرکتی قوی نمی‌باشد در نتیجه به

نظر می‌رسد عدم وجود رابطه بین شاخص‌های حاکمیت شرکتی با مدیریت سود منطقی باشد. تحلیل محقق از تایید رابطه منفی بین حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره) و مدیریت مالیات (نرخ موثر مالیاتی قطعی و نرخ موثر مالیاتی حسابداری) این است که هر چه میزان حاکمیت شرکتی شرکت قوی‌تر باشد، در واقع هر چه تعداد اعضای هیئت مدیره بیشتر باشد، مدیریت مالیات شرکت کاهش می‌یابد. در واقع با افزایش نظارتی که با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره ایجاد می‌شود، تمایل به مدیریت مالیات در بین مدیران شرکت‌ها کاهش می‌یابد.

پیشنهاداتی مبتنی بر نتایج پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد: به سرمایه‌گذاران و نیز علاقمندان به سرمایه‌گذاری پیشنهاد و نیز توصیه می‌شود که در انتخاب شرکت برای سرمایه‌گذاری، نسبت به اعضای هیئت مدیره و نیز سوابق آنها توجه داشته باشند زیرا نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره، میزان مدیریت مالیات از نوع نرخ مالیات قطعی و نرخ مالیات حسابداری که مرتبط با نرخ تشخیصی می‌باشد، کاهش می‌یابد. همچنین سعی بر آن داشته باشند تا به سایر شاخص‌های حاکمیت شرکتی توجه داشته باشند.

به مدیران و صاحبان شرکت‌ها پیشنهاد و توصیه می‌شود که نسبت به سیستم مالیاتی و نیز محاسبات آن توجه بیشتری داشته باشند. همچنین سعی بر آن داشته باشند تا با بهنگام کردن خود در رابطه با قوانین مالیاتی تفاوت‌های ناشی از مالیات ابرازی و تشخیصی و قطعی خود را به حداقل ممکن برسانند. از طرفی با این بهنگام سازی، که از تحمل زیان‌های شرکت و نیز کاهش سود جلوگیری می‌کند، مجبور به مدیریت سود یا مدیریت مالیات نشوند. همچنین سعی داشته باشند تا ساز و کارهای حاکمیت شرکتی متنوعی را داشته باشند و مانع هرگونی مدیریت سود و نیز مالیات شوند. یکی از این راه حل‌ها

- افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره می‌باشد که نتایج نشان داد منجر به کاهش مدیریت مالیات می‌شود.
- پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی به شرح زیر ارائه می‌گردد:
- ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات با توجه به نوع صنعت در بورس اوراق بهادار تهران
 - ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات در شرکت‌های فعال در بخش‌های مالی و خدماتی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
 - ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات با در نظر گرفتن سایر متغیرها برای حاکمیت شرکتی از جمله دوگانگی نقش مدیر عامل و ...
 - ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات با در نظر گرفتن روشی دیگر برای سنجش مدیریت سود از جمله مدل کوتاری و مدل کازنیک و ..
 - ✓ بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود و مدیریت مالیات با در نظر گرفتن شاخصی ترکیبی برای مدیریت مالیات یا در نظر گرفتن شاخصی دیگر برای آن.
 - ✓ بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود و مدیریت مالیات
- فهرست منابع**
- * آقایی، محمدعلی و چالاک، پری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، ۱(۴): ۱-۲۴.
 - * اصغری، فخری. (۱۳۹۱). مطالعه رابطه حاکمیت شرکتی و نرخ موثر مالیات، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
 - * باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۳): ۶۵-۸۶.
 - * پورحیدری، امید و برهانی نژاد، سعیده. (۱۳۹۰). بررسی تاثیر خصوصیات اصول راهبری شرکت‌ها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه دانش حسابداری، ۲(۳): ۱-۱۸.
 - * رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۳). اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. نشر شرکت اطلاع رسانی بورس.
 - * سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۷۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
- * سوری، علی. (۱۳۹۱). اقتصادسنجی همراه با کاربرد Eviews 7، چاپ پنجم، تهران: نشر فرهنگ شناسی.
 - * قدرتی، حسن و فیضی، سعید. (۱۳۹۴). تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، ۱۴(۵۸): ۲۰۵-۲۳۲.
 - * نیکومرام، هاشم و محمدرزاهه سالطه، حیدر. (۱۳۸۹). رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، فراسوی مدیریت، ۴(۱۵): ۱۸۷-۲۱۰.
 - * Dechow, Patricia M. and Sloan, Richard G. and Amy P. Sweeney. (1995). Detecting Earnings Management, The Accounting Review, 70 (2): 193-225.
 - * Desai, M., Dharmapala, D.(2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives, J. Fin. Econ. 79: 145-179.
 - * Lanis, R., G. Richardson. (2011). the effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness, Journal of Accounting and Public Policy, 30: 50-70.
 - * Minnick, Kristina. and Tracy, Noga. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management, Journal of Corporate Finance, 16: 703-718.
 - * Mulyadi, M.S. & Anwar, Y. (2015). Corporate Governance, Earnings Management and Tax Management, Social and Behavioral Sciences, 177: 363 - 366.
 - * Scott, William. (2009). Financial Accounting Theory (5th Ed), Prentice Hall, chapter 11, 343-352